



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI:10.30479/mfh.2023.18155.2201

Analysis the Conflict Between Shiite Hadiths Regarding the The Time of the Appearance of the Twelfth Imam (as): Criticizing of “Fawaz bin Ahmed bin Ali Radwan”’s Claim

Hasan Zarnoshe Farahani^{1*}

Hamed Mostafavifard²

Abstract

In the Shia hadith sources, we are faced with two types of hadiths about the time of the appearance of the twelfth Imam (a.s.). Some of them have set a time for the appearance and another group has considered the time of the appearance to be a lie. Adducing these traditions, an Arabic article entitled “The connotations of the narratives of the Shiites reject the Imamate as a model” written by Fawaz bin Ahmed bin Ali Ridwan has claimed that the Shiite hadiths regarding Imamate are contradictory and irreconcilable. Therefore, the principle of Imamate is a place of doubt. Using the descriptive-analytical method, the present research aims to answer the questions of the mentioned article about the time of the appearance of the twelfth Imam (a.s.), first, classified and reported the claims made under two general categories of hadiths indicating the time of appearance (including four hadiths) and hadiths indicating that the time of appearance was false (including three hadiths), then, by examining the chain of transmission and the content of each hadith, it concludes that although in the first category, there are two authentic hadiths along with two weak hadiths, their acceptable content does not indicate the time of the appearance of the twelfth Imam (a.s.) after the great absence. In return, the hadiths of the second category are reliable and authentic in terms of documents, and in terms of brokers, they are clear about the denial of those who determine the time of appearance. Therefore, the alleged conflict is resolved by combining the two categories of narrations.

Keywords

the twelfth Imam; Appearance, Make Time, Fawaz bin Ahmed bin Ali Radwan, Resolving the conflict of Hadiths.

Article Type: Research

1. Responsible Auther, Assistant Professor of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajae Teacher Training University, Tehran, Iran. Email: zarnoshe@sru.ac.ir

2. Assistant Professor of Quranic Sciences and Hadith, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan kerman, Iran. Email: h.mostafavifard@vru.ac.ir

Received on: 14/12/2022 Accepted on: 02/05/2023

Copyright © 2024, Zarnoshe FarahanI &Hamed Mostafavifard

Publisher: Imam Khomeini International University.





شماره چاپی: ۲۵۸۸-۲۸۹۵
شماره الکترونیکی: ۲۵۸۸-۴۴۱۷

مطالعات فقه حدیث



DOI:10.30479/mfh.2023.18155.2201

تحلیل تعارض روایات شیعی مربوط به وقت ظهور امام دوازدهم (ع)؛ نقد ادعای «فواز بن احمد بن علی رضوان»

حسن زرنوشه فراهانی^۱
حامد مصطفوی فرد^۲

چکیده

در منابع حدیثی شیعه با دو دسته از روایات، در باب زمان ظهور امام دوازدهم (ع) مواجه هستیم؛ دسته‌ای از آن‌ها، زمانی را برای ظهور تعیین کرده و دسته‌ای دیگر، تعیین زمان برای ظهور را دروغ دانسته‌اند. در مقاله‌ای به زبان عربی با عنوان «تعارض دلالات المرویات عند الرافضة؛ الامامة أنموذجاً» نوشته‌ی «فواز بن احمد بن علی رضوان» با تمسک به همین روایات، ادعا شده که روایات شیعی در باب امامت، متعارض و غیر قابل جمع‌اند و لذا اصل امامت، محل تردید و تشکیک است. پژوهش حاضر، با هدف پاسخ به بخشی از شبهات مقاله‌ی مذکور در خصوص وقت ظهور امام دوازدهم (ع) و با استفاده از روش «توصیف و تحلیل»، ابتدا ادعای مطرح شده را ذیل دو دسته‌ی کلی روایات دال بر تعیین وقت ظهور (شامل چهار روایت) و روایات دال بر دروغ بودن تعیین وقت ظهور (شامل سه روایت) دسته‌بندی و گزارش نموده، سپس با بررسی سند و متن تک‌تک روایات، چنین نتیجه می‌گیرد که گرچه در دسته اول، دو روایت صحیح‌السند در کنار دو روایت ضعیف‌السند وجود دارد، اما مضمون قابل پذیرش آن‌ها، دلالتی بر تعیین زمان ظهور امام دوازدهم (ع) پس از غیبت کبری ندارد. در مقابل، روایات دسته دوم از لحاظ سندی، موثق و معتبر هستند و از لحاظ دلالتی نیز بر تکذیب تعیین‌کنندگان وقت ظهور صراحت دارند. بنابراین با جمع عرفی میان دو دسته روایت، تعارض ادعا شده برطرف می‌شود.

کلیدواژه‌ها

امام دوازدهم، ظهور، توقیت، فواز بن احمد بن علی رضوان، رفع تعارض روایات.

نوع مقاله: پژوهشی

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
zarnoooshe@sru.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، جمهوری اسلامی ایران.
h.mostafavifard@vru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

«امامت» یکی از اصول اعتقادی پنج‌گانه‌ی مذهب تشیع است که در طول توحید و نبوت معرفی شده است. امام حسین (ع) در پاسخ به شخصی که درباره‌ی چپستی معرفت خدا پرسید، آن را شامل تصدیق خدا، تصدیق پیامبر (ص) و اعتقاد به ولایت امام علی (ع) و دیگر ائمه (ع) و نیز برائت از دشمنانشان دانست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۱۸۰). بر این اساس، وجه ممیزه و شاخصه‌ی مهم مذهب تشیع که آن را از دیگر فرق اسلامی جدا می‌سازد، موضوع «امامت» است. از این‌رو بخش عمده‌ی تلاش‌های مخالفان مذهب تشیع که در برخی تألیفات و پژوهش‌های دانشگاهی نیز جلوه‌گر است، به خدشه وارد کردن در موضوع «امامت» اختصاص دارد. از جمله‌ی این پژوهش‌ها مقاله‌ای با عنوان «تعارض دلالات المرویات عند الرافضة؛ الامامة أنموذجاً» از فواز بن احمد بن علی رضوان^۱ است که در شماره‌ی ۳۶ مجله‌ی «کلیة الدراسات الإسلامية و العربية للبنات بالاسكندرية» دانشگاه «الزهر» در سال ۲۰۲۰م منتشر شده است. نویسنده در این مقاله کوشیده است که روایات شیعی در موضوع «امامت» را متعارض با یکدیگر نشان دهد. وی با گزارش روایات به ظاهر متعارض شیعی در پنج مسئله‌ی زیر در پی تشکیک در اصل مسئله‌ی «امامت» است:

۱. تعارض روایات نهی‌کننده از ذکر نام ائمه با روایاتی که نام ائمه در آن‌ها برده می‌شود.
 ۲. تعارض روایات دال بر امامت منصوص ائمه با روایات ناظر بر پذیرش شورا از سوی آنان.
 ۳. تعارض روایات تعیین‌کننده‌ی وقت ظهور با روایات دال بر عدم توقیت.
 ۴. تعارض روایات درباره‌ی تعداد ائمه.
 ۵. تعارض روایات دال بر عصمت ائمه با روایات ناظر بر استغفار و اقرار ائمه به گناه.
- از میان این پنج مسئله، مقاله‌ی حاضر به طور خاص مسئله سوم یعنی ادعای «تعارض روایات تعیین‌کننده‌ی وقت ظهور با روایات دال بر عدم توقیت» را بررسی و نقد کرده و پرسش‌های ذیل را محور کار خود قرار داده است:
۱. ادعای تعارض در روایات مربوط به وقت ظهور امام دوازدهم، بر اساس چه روایاتی شکل گرفته است؟
 ۲. راه‌حل رفع تعارض میان این روایات چیست؟

۱. استادیار گروه «الدراسات الإسلامية»، دانشکده‌ی «العلوم و الآداب»، دانشگاه «الملك خالد»، استان مُحابِل عسیر، عربستان سعودی. رایانامه: faardwan@gmail.com

بدین منظور این مقاله، ابتدا تمام روایاتی که فواز بن رضوان، مبتنی بر آن‌ها ادعای تعارض کرده را دسته‌بندی و گزارش می‌کند، سپس با بررسی سند و متن روایات مورد نظر و نگاهی به نظرات شارحان حدیث و استفاده از قواعد باب تعارض، به رفع تعارض می‌پردازد.

پیش از این مقاله، پژوهش‌های مختلفی با رویکردهای رجالی و فقه‌الحدیثی به بررسی روایات حوزه‌ی مهدویت پرداخته‌اند (ر.ک: ماهری قمی و پیرچراغ، ۱۴۰۱ش، ۴۹-۷۱؛ براتی و همکاران، ۱۴۰۲ش، ۵۳-۷۹). برخی از محققان نیز در باب توقیت مطالبی را نگاشته‌اند که مرتبط‌ترین آن‌ها با پژوهش حاضر، در ذیل معرفی می‌شوند:

محمدجواد ولی‌زاده در مقاله «کنکاشی در زمینه تعیین احتمالی زمان ظهور»، دلالت روایاتِ نهی‌کننده از توقیت را، هم شامل تعیین تفصیلی زمان ظهور و هم شامل تعیین اجمالی آن می‌داند و گفتار برخی افراد در تعیین اجمالی زمان ظهور را مورد انتقاد قرار می‌دهد (ولی‌زاده، ۱۳۹۱ش، ۶۷-۹۰). بنابراین هدف او، صرفاً اثباتِ اطلاقِ روایاتِ نهی‌کننده از توقیت است و اساساً قصدی برای رفع تعارض میان روایات تعیین‌کننده‌ی وقت ظهور با روایات نهی‌کننده از تعیین وقت ظهور ندارد. محمد سبحانی نیز در مقاله «تحلیل حدیث‌شناسانه تعیین وقت ظهور»، در مقام نقد روایات تعیین‌کننده‌ی وقت ظهور برآمده است. اما اولاً: بررسی‌های او، ناظر به دلالتِ روایات است و کمتر به اسناد پرداخته است و ثانیاً: به تمام روایات بررسی شده در مقاله حاضر نپرداخته است (سبحانی، ۱۳۹۵ش، ۹۹-۱۲۴).

همچنین سیدمسعود پورسیدآقایی و علی اکبر معراجی‌راد در مقاله «بررسی تحلیلی روایات توقیت‌گران در روزگار معاصر» صرفاً انواع روایات نهی‌کننده از توقیت را بررسی کرده‌اند (پورسیدآقایی و معراجی‌راد، ۱۳۹۹ش، ۴۹-۷۴) و به روایات تعیین‌کننده وقت ظهور نپرداخته‌اند. بنابراین هیچ‌یک از پژوهش‌های پیشین، ادعای مخالفان مکتب تشیع درباره تعارض میان روایات تعیین‌کننده وقت ظهور با روایات نهی‌کننده از تعیین وقت ظهور را مورد بررسی و نقد سندی و دلالتی قرار نداده‌اند و مقاله حاضر به این مهم خواهد پرداخت.

۲. ادعای تعارض در روایات مرتبط با «وقت ظهور امام دوازدهم»

نویسنده‌ی مقاله‌ی «تعارض دلالات المرویات عند الرافضة؛ الامامة أنموذجاً» مدعی است که روایات شیعی درباره‌ی وقت ظهور امام دوازدهم شیعیان با یکدیگر متعارض‌اند؛ در

برخی از آن‌ها، وقت ظهور معین شده است و در برخی دیگر، تعیین وقت برای ظهور، دروغ دانسته شده است. وی برای اثبات مدعای خود، به روایاتی استناد می‌کند که می‌توان آن‌ها را ذیل دو بخش روایات دال بر تعیین وقت ظهور و روایات دال بر دروغ بودن تعیین وقت ظهور گزارش نمود:

۲-۱. روایات دال بر تعیین وقت ظهور

مدعی از مضمون برخی روایات، تعیین وقت ظهور امام دوازدهم (ع) را استظهار کرده است که البته زمان تعیین شده در آن‌ها نیز با یکدیگر متفاوت است:

۲-۱-۱. شش روز یا شش ماه یا شش سال پس از شروع غیبت

یکی از روایاتی که نویسنده مقاله مذکور، درباره تعیین وقت ظهور مطرح کرده است روایتی است که کلینی با ذکر سند از اصبع بن نباته از امام علی (ع) نقل می‌کند که در آن، امام علی (ع) در پاسخ به سؤال اصبع درباره مدت زمان غیبت، آن را شش روز یا شش ماه یا شش سال اعلام می‌دارد: «عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَابُوسَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ مَالِكِ الْجُهَنِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَوَجَدْتُهُ مُتَفَكِّرًا يَنْكُتُ فِي الْأَرْضِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا لِي أَرَاكَ مُتَفَكِّرًا تَنْكُتُ فِي الْأَرْضِ أَرْغَبَةٌ مِنْكَ فِيهَا فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَلَا فِي الدُّنْيَا يَوْمًا قَطُّ وَ لِكِنِّي فَكَّرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشَرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَنْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا تَكُونُ لَهُ عَيْبَةٌ وَحَيْرَةٌ يَصِلُ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا آخَرُونَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَمْ تَكُونُ الْحَيْرَةُ وَالْعَيْبَةُ قَالَ سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّ سِنِينَ فَقُلْتُ وَإِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ فَقَالَ نَعَمْ كَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ - وَ أَنَّى لَكَ بِهَذَا الْأَمْرِ يَا أَصْبَغُ أَوْلَيْكَ خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَعَ خِيَارِ أَبْرَارِ هَذِهِ الْعِتْرَةِ فَقُلْتُ ثُمَّ مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ فَإِنَّ لَهُ بَدَاءَاتٍ وَإِرَادَاتٍ وَغَايَاتٍ وَنَهَايَاتٍ»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۳۸): اصبع بن نباته می‌گوید: به حضور امیر مؤمنان (ع) رفتم، دیدم در اندیشه فرو رفته و انگشتش را به زمین می‌زند که اثر انگشتش روی زمین می‌ماند، گفتم: ای امیر مؤمنان! چه شده که شما را غرق در اندیشه می‌بینم و انگشت بر زمین

۱. در مقاله‌ی حاضر برخلاف مقاله‌ی مدعی تعارض، تمام احادیث با ذکر سند و متن (مورد نیاز در فهم حدیث) آن‌ها نقل می‌شود تا امکان بحث‌های رجالی و دقت نظر در متن روایات فراهم گردد و خطاهای احتمالی نویسنده‌ی مدعی تعارض در برداشت از متن روایات نیز آشکار شود.

می‌گویید؟ آیا به زمین [و خلافت و حکومت] رغبت کرده‌اید؟! فرمود: نه؛ به خدا سوگند! هرگز یک روز نه به آن تمایل پیدا کرده‌ام و نه به دنیا، ولی درباره مولودی که از نسل من [و] فرزند یازدهم من است اندیشه می‌کردم، او همان مهدی است که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، چنان‌که از جور و ستم، پُر شده باشد، برای او غیبت و حیرتی است که گروهی در آن [زمان] به بی‌راهه خواهند رفت و گروهی هدایت می‌یابند. گفتم: ای امیر مؤمنان! آن حیرت و غیبت چقدر خواهد بود؟ فرمود: شش روز، یا شش ماه، یا شش سال! گفتم: این [مطلب] یقیناً شدنی است؟ فرمود: آری؛ چنان‌که خود او خلق شده است. ای اصبع! تو کجا و این امر کجا؟! آنان [که درک می‌کنند] نیکان این امت، همراه نیکوترین‌های نیکان این خاندان هستند. گفتم: پس از آن چه می‌شود؟ فرمود: پس از آن، خدا آنچه را خواهد انجام می‌دهد؛ زیرا برای خداوند بدهاها و اراده‌ها و هدف‌ها و پایان‌هایی است (کلینی، ۱۳۹۹ ش، ۲: ۳۳۳-۳۳۴).

مدعی پس از نقل این روایت می‌گوید: «با وجود گذشت مدت زمان تعیین شده در روایت، اما هنوز امام دوازدهم ظهور نکرده است!» (رضوان، ۲۰۲۰م، ۱۶۲).

۲-۱-۲. سال هفتاد

دومین روایت مطرح شده توسط نویسنده مقاله مذکور، روایتی است که کلینی با ذکر سند از ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ يَا ثَابِتُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ كَانَ وَقَّتَ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِينَ فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْرَجَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَ مِائَةٍ فَحَدَّثَنَا كُمْ فَأَذَعْتُمُ الْحَدِيثَ فَكَشَفْتُمْ قِنَاعَ السَّتْرِ وَ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَفْتاً عِنْدَنَا وَ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ يَثْبُتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ قَالَ أَبُو حَمْرَةَ فَحَدَّثْتُ بِذَلِكَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ قَدْ كَانَ كَذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۶۸): ابو حمزه ثمالی می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم می‌فرمود: ای ثابت! هر آینه خداوند - تبارک و تعالی - این امر را در هفتاد تعیین کرد، پس زمانی که حسین (ع) شهید شد، خشم خداوند متعال بر اهل زمین شدید شد، آن را تا صد و چهل به تأخیر انداخت، ما برای شما بازگو کردیم، سخن را پخش نمودید و پرده از روی پوشیده برداشتید. خداوند بعد از این [زمان]، وقتی نزد ما برای این امر قرار نداد؛ «خداوند هر چه را بخواهد محو می‌کند و ثابت می‌گذارد و أم الكتاب نزد او است»

ابوحمزہ می گوید: من این حدیث را بہ امام صادق (ع) گفتم، فرمود: قطعاً چنین بودہ است (کلینی، ۱۳۹۹ش، ۲: ۴۳۵).

۲-۱-۳. پانزدہ شب پس از قتل نفس زکیہ

در روایت دیگری کہ شیخ مفید از صالح بن میثم از امام باقر (ع) نقل می کند، پانزدہ شب پس از قتل نفس زکیہ، زمان ظهور دانستہ شدہ است: «الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ شُعَيْبِ الْحَدَّادِ عَنْ صَالِحِ بْنِ مَيْثِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع) وَقَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ أَكْثَرُ مِنْ خَمْسِ عَشْرَةِ لَيْلَةً» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲: ۳۷۴).

۲-۱-۴. کمتر از چہل سال پس از شروع غیبت

بر طبق روایت دیگری کہ شیخ طوسی در «الغیبة» ذکر می کند، دورہ غیبت بیش از دورہ سرگردانی بنی اسرائیل نخواہد بود: «أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلَعُكْبَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الرَّازِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي شَيْخُ وَرَدَ الرَّيِّ عَلَى أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدَ بْنَ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ فَرَوَى لَهُ حَدِيثَيْنِ فِي صَاحِبِ الزَّمَانِ (ع) وَ سَمِعْتُهُمَا مِنْهُ كَمَا سَمِعَ وَأُظِنُّ ذَلِكَ قَبْلَ سَنَةِ ثَلَاثِمِائَةٍ أَوْ قَرِيبًا مِنْهَا قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْفَدَكِيُّ قَالَ قَالَ الْأَوْدِيُّ بَيْنَا أَنَا فِي الطَّوَافِ قَدْ طُفْتُ سِتَّةً وَأُرِيدُ أَنْ أَطُوفَ السَّابِعَةَ فَإِذَا أَنَا بِحَلْقَةٍ عَنْ يَمِينِ الْكُعْبَةِ وَ شَابٌّ حَسَنُ الْوَجْهِ طَيِّبُ الرَّائِحَةِ هَيُوبٌ وَ مَعَ هَيْبَتِهِ مُتَقَرِّبٌ إِلَى النَّاسِ فَتَكَلَّمَ فَلَمْ أَرِ أَحْسَنَ مِنْ كَلَامِهِ وَ لَا أَعْدَبَ مِنْ مَنْطِقِهِ فِي حُسْنِ جُلُوسِهِ فَدَهَبْتُ أَكَلِمَةً فَرَبَّرَنِي النَّاسُ فَسَأَلْتُ بَعْضَهُمْ مَنْ هَذَا فَقَالَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَظْهَرُ لِلنَّاسِ فِي كُلِّ سَنَةٍ يَوْمًا لِحَوَاصِهِ فَيَحْدُثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهُ فَقُلْتُ مُسْتَرْشِدًا أَتَاكَ فَأَرْشِدُنِي هَذَاكَ اللَّهُ قَالَ فَنَاوَلَنِي حَصَاةً فَحَوَّلْتُ وَجْهِي فَقَالَ لِي بَعْضُ جُلَسَائِهِ مَا الَّذِي دَفَعَ إِلَيْكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقُلْتُ حَصَاةً فَكَشَفْتُ عَنْ يَدِي فَإِذَا أَنَا بِسَيْبِكَةٍ مِنْ ذَهَبٍ فَدَهَبْتُ وَ إِذَا أَنَا بِهِ قَدْ لَحِقَنِي فَقَالَ ثَبَّتْ عَلَيْكَ الْحُجَّةُ وَ ظَهَرَ لَكَ الْحَقُّ وَ ذَهَبَ عَنْكَ الْعَمَى أُنَعْرِفُنِي فَقُلْتُ اللَّهُمَّ لَا فَقَالَ أَنَا الْمَهْدِيُّ أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ أَنَا الَّذِي أَمَلَّهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَ لَا يَبْقَى النَّاسُ فِي فِتْرَةٍ أَكْثَرَ مِنْ تِيهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ قَدْ ظَهَرَ أَيَّامَ خُرُوجِي فَهَذِهِ أَمَانَةٌ فِي رَقَبَتِكَ فَحَدِّثْ بِهَا إِخْوَانَكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۲۵۳). احمد بن علی رازی گفته است: پیرمردی در شهر ری وارد منزل ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی شد و برای او دو حدیث در مورد صاحب الزمان (ع) روایت کرد،

من هم مثل ابوالحسین احادیث را شنیدم. گمان می‌کنم که این ماجرا قبل از سال سیصد یا حدود همان سال بود. پیرمرد می‌گفت که علی بن ابراهیم فدکی از قول اودی گفت: وقتی که در بیت‌الله الحرام مشغول طواف بودم، دور ششم را انجام داده بودم و می‌خواستم هفتمین دور را انجام بدهم که ناگهان در سمت راست کعبه حلقه جمعیتی را دیدم که جوانی زیبا، خوش‌بو و با هیبت در میانشان بود. در عین حال که صاحب عظمت و هیبت خاصی بود، اما به مردم نزدیک شده و برای آن‌ها به گونه‌ای صحبت می‌کرد که من کلامی بهتر از آن را نشنیده بودم و بیانی بهتر از بیان او و جلسه‌ای خوب‌تر از آن ندیده بودم. به او نزدیک شده تا صحبت کنم، اما ازدحام مردم مرا جدا کرد. از یکی از مردم پرسیدم: این جوان کیست؟ گفت: فرزند رسول خدا (ص) است که در هر سال، یک روز برای خواصش ظاهر می‌شود و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند. پس خطاب به او گفتم: من خواهان ارشاد و هدایت هستم، مرا ارشاد کن. ایشان هم سنگ‌ریزه‌ای به من داد. من که رویم را برگرداندم، یکی از هم‌نشینان حضرت به من گفت: فرزند رسول خدا (ص) چه چیزی به تو داد؟ گفتم: سنگ‌ریزه و وقتی که دستم را باز کردم، دیدم طلای خالص است. از آنجا رفتم، ناگهان دیدم که آن حضرت به من رسید و فرمود: حجت برای تو ثابت شد؟ حق برایت روشن شد؟ کوری از قلب تو رفت؟ آیا مرا شناختی؟ گفتم: نه. فرمود: من مهدی هستم، من قائم زمانم، من کسی هستم که همان‌گونه که زمین پر از ظلم و جور شده آن را پر از عدل و داد می‌کند. تحقیقاً زمین از حجت خدا خالی نمی‌شود و مردم بیشتر از بنی‌اسرائیل در فترت و سرگردانی نمی‌مانند و ایام خروج و قیام من می‌رسد، این کلمات امانت است که در اختیار توست و آن را فقط برای برادرانت که اهل حق و طریق حق هستند نقل کن (طوسی، ۱۳۸۷ ش، ۴۴۹-۴۵۱). مدعی پس از ذکر این روایات، با توجه به سپری شدن تمام زمان‌های مذکور در آن‌ها، می‌گوید: چرا پس از گذشت بیش از هزار سال ظهور واقع نشده است؟ (رضوان، ۲۰۲۰م، ۱۶۸) و بدین ترتیب در اصل وجود امام دوازدهم و ظهور او تشکیک وارد می‌کند.

۲-۲. روایات دال بر دروغ بودن تعیین وقت ظهور

نویسنده مدعی، در مقابل روایاتی که زمانی را برای ظهور امام مهدی (ع) تعیین کرده‌اند، سه روایت دیگر را ذکر می‌کند که محتوای آن‌ها، نهی از توقیت است. در روایت اول، کلینی با سندی از ابوبصیر از امام صادق (ع) چنین نقل می‌کند: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ

أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْقَائِمِ (ع) فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نُؤَقَّتُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۶۸، ۳۶۹): ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق (ع) درباره قائم (ع) پرسیدم، فرمود: تعیین‌کنندگان وقت، دروغ گفتند؛ ما خاندانی هستیم که تعیین وقت نمی‌کنیم (کلینی، ۱۳۹۹ش، ۲: ۴۳۶).

در روایت دوم با همان سند قبلی از امام صادق (ع) نقل شده است که: «أَحْمَدُ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: قَالَ أَبِي اللَّهِ إِلَّا أَنْ يُخَالِفَ وَقْتِ الْمُؤَقِّتِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۶۸): خداوند جز مخالفت با زمانی را که تعیین‌کنندگانش اعلام می‌کنند نخواست است (کلینی، ۱۳۹۹ش، ۲: ۴۳۶). به تعبیر دیگر، تعیین زمان برای ظهور، تنها مختص خداوند است.

و در روایت سوم، کلینی با سندی از فضیل بن یسار از امام باقر (ع) چنین نقل می‌کند: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْخَزَّازِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْخَثَمِيِّ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قُلْتُ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ فَقَالَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ إِنَّ مُوسَى (ع) لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَى رَبِّهِ وَعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَلَمَّا زَادَهُ اللَّهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَصَنَعُوا مَا صَنَعُوا فَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ الْحَدِيثَ فَجَاءَ عَلَيَّ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ وَإِذَا حَدَّثْنَاكُمْ الْحَدِيثَ فَجَاءَ عَلَيَّ خِلَافِ مَا حَدَّثْنَاكُمْ بِهِ فَقُولُوا صَدَقَ اللَّهُ تَوَجَّرُوا مَرَّتَيْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۶۹): فضیل بن یسار می‌گوید: به امام باقر (ع) گفتم: برای این امر وقتی هست؟ فرمود: تعیین‌کنندگان وقت دروغ گفتند، تعیین‌کنندگان وقت دروغ گفتند، تعیین‌کنندگان وقت دروغ گفتند، تعیین‌کنندگان وقت دروغ گفتند، چون [پیامبر خدا] موسی (ع) برای مهمانی پروردگارش بیرون رفت، به بنی‌اسرائیل [برای بازگشت] وعده سی روز داد و زمانی که خداوند ده روز بر سی روز افزود، بنی‌اسرائیل گفتند: موسی [در وعده‌اش] به ما تخلف کرد و انجام دادند آنچه را انجام دادند [یعنی گوساله پرست شدند]؛ بنابراین، اگر ما به شما خبری دادیم و همان‌گونه که به شما گفته بودیم پیش آمد، بگویید: خداوند راست گفت؛ و اگر به شما خبری دادیم و برخلاف آنچه به شما گفته بودیم پیش آمد، بگویید: خدا راست گفت [که اگر این‌گونه عمل کنید] دو پاداش نصیبتان شود (کلینی، ۱۳۹۹ش، ۲: ۴۳۷).

۳. پاسخ به ادعای تعارض در روایات مرتبط با «وقت ظهور امام دوازدهم (ع)»

در این بخش، روایات مرتبط با «وقت ظهور امام دوازدهم» که در دو بخش روایات دال بر تعیین وقت ظهور (شش روز یا شش ماه یا شش سال پس از شروع غیبت، سال

هفتاد هجری، پانزده شب پس از قتل نفس زکیه، کمتر از چهل سال پس از شروع غیبت) و روایات دال بر دروغ بودن تعیین وقت ظهور گزارش شدند، مورد بررسی سندی و دلالی قرار می‌گیرند تا میزان اعتبار و حد دلالتشان مشخص شود و راهی برای رفع تعارض میان آن‌ها پیدا شود.

۳-۱. بررسی سندی و دلالی روایت شش روز یا شش ماه یا شش سال پس از شروع غیبت

درباره روایتی که زمان ظهور را شش روز یا شش ماه یا شش سال پس از شروع غیبت بیان می‌کند، باید گفت:

اولاً: از میان راویان موجود در سند روایت، در مورد «منصور بن السندی»، هیچ اطلاعاتی در کتب رجالی وجود ندارد که در اصطلاح به چنین روایتی، مُهمَل گفته می‌شود (ر.ک: استرآبادی، ۱۳۸۸ش، ۸۹) که از اقسام حدیث ضعیف است. بنابراین روایت مذکور از لحاظ سندی، ضعیف است.

ثانیاً: به فرض پذیرش سند روایت، دلالت آن را به سه گونه می‌توان توجیه کرد؛ توجیه اول و اظهر این که زمان تعیین شده در روایت، ناظر بر مدت غیبت صغری باشد که روایت امام سجاد (ع) نیز مؤید این برداشت است: «... وَ أَنَّ لِقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ أَحَدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى أَمَّا الْأُولَى فَمِائَةٌ أَيْامٍ أَوْ سِتَّةُ أَشْهُرٍ أَوْ سِتُّ سِنِينَ وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوُلُ أَمْدَهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۱: ۳۲۴). «... و برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است، اما غیبت اول شش روز یا شش ماه یا شش سال به طول می‌انجامد و اما غیبت دیگر طولانی‌تر می‌شود تا جایی که بیشتر معتقدان به آن امام از این امر باز می‌گردند و بر آن ثابت نماند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد و در دلش حرجی از آنچه حکم می‌کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد».

علامه مجلسی نیز در شرح این روایت، سه احتمال را بیان می‌کند: احتمال اول این که تا شش روز از تولد آن حضرت، هیچ‌کس جز خواص از خانواده‌اش از تولد او آگاه نشدند. پس از شش ماه، دیگر خواص نیز بر وجود آن حضرت آگاهی یافتند و پس از شش سال به هنگام وفات پدرش، وجود او بر بسیاری از خلق آشکار شد. احتمال دوم این که تا شش روز پس از آغاز امامت حضرت، کسی از این مسئله آگاه نشد. پس

از شش ماه، دیگران نیز آگاهی یافتند و پس از شش سال، سفراء حضرت پدید آمدند. احتمال سوم این که شش روز یا شش ماه یا شش سال اشاره به برخی از زمان‌هایی باشد که برای غیبت (صغری) آن حضرت مقدر شده است و قابل بداء نیز هست که این احتمال، اظهر است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۵۱: ۱۳۴، ۱۳۵). حر عاملی نیز پس از نقل روایتی مشابه این روایت از امام باقر (ع) که در آن علاوه بر تعابیر «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتُّ سِنِينَ»، افزوده‌ی «سِتُّونَ سَنَةً» نیز وجود دارد، می‌نویسد: چه بسا محدود کردن طول غیبت به شصت سال، ناظر به غیبت صغری باشد، زیرا شصت سال به غیبت صغری نزدیک است (حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ۵: ۲۰۴).

توجیه دوم این که زمان تعیین شده در روایت، بیش از آن که دلالت بر تعیین زمان ظهور داشته باشد، بر ابهام و پوشیده گذاشتن زمان ظهور دلالت دارد. پدر شیخ صدوق در این باره می‌نویسد: بدون شک امری که وقتش می‌تواند از شش روز به شش ماه و از شش ماه به شش سال امتداد یابد، می‌تواند تا سال‌ها نیز ادامه پیدا کند. آیا این مفهوم است؟ اگر آن حضرت قصد بیان وقت را داشته مشخص است که وقتی را تعیین نکرده و اگر در پی چشم‌پوشی از تعیین وقت بوده، عجیب نیست که با شدیدترین وجه ممکن از آن چشم‌پوشی کند، زیرا کسی که به دانش او اطمینان وجود دارد، وقتی با شک بین شش روز یا شش سال از امری خبر می‌دهد، اراده‌ای جز چشم‌پوشی و پوشاندن آن نداشته است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ۱۲).

مؤید این برداشت پدر شیخ صدوق از روایت مورد نظر، تعبیر «سَبْتُ مِنَ الدَّهْرِ» به جای «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتُّ سِنِينَ» در نقل نعمانی (متوفای ۳۶۰ق) از روایت کلینی از اصبع از امام علی (ع) است (ابن ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق، ۶۱) که این تفاوت در تعبیر، سبب شده صاحب معجم احادیث الإمام مهدی (ع) احتمال تصحیف «سبت» یعنی مدت زمان غیر معین به «ست» را مطرح کند (کورانی، ۱۴۲۸ق، ۴: ۱۸۶). همچنین، اگر اصالت نقل نعمانی را بپذیریم، احتمال ادراج در روایت پیش‌رو نیز تقویت می‌شود. بدین گونه که در ابتدا واژه «سبت» به «سته» تبدیل شده است و از آنجا که «سته من الدهر» دارای ابهام بوده، راوی با شرح روایت، قصد داشته است تا ابهام را برطرف کند و از همین رو عبارت «أَيَّامٍ أَوْ أَشْهُرٍ أَوْ سِنِينَ» را به متن، افزوده و در نقل‌های بعدی به عنوان متن اصلی روایت تلقی شده و به صورت فعلی نقل به معنا شده است. و توجیه سوم نیز، وقوع بداء در مدت زمان غیبت امام مهدی (ع) است. مجلسی در این باره می‌نویسد: «سِتَّةَ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ أَوْ سِتُّ سِنِينَ» چه بسا مبتنی بر وقوع بداء

درباره زمان غیبت است. از این رو، امام علی (ع) زمان‌های مختلفی را بیان می‌دارد و سپس با این سخن که «ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ فَإِنَّ لَهُ بَدَأَاتٍ» به احتمال تغییر اشاره می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۴: ۴۳).

۲-۳. بررسی سندی و دلالتی روایت سال هفتاد

درباره روایتی که نویسنده مدعی، ظهور در سال هفتاد را از آن استظهار کرده است باید گفت:

اولاً: گرچه در سند آن «سهل بن زیاد» وجود دارد که از سوی بیشتر علمای رجال تضعیف شده (ر.ک: کشی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۸۳۷؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق، ۶۶ و ۶۵؛ نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۸۵؛ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۲۸) و فقط طوسی در آخرین اثر رجالی خود، او را توثیق کرده است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۸۷)، اما چون این تضعیفات، مبتنی بر غلو است و معیار غلو هم نزد افراد، متفاوت است، نمی‌توان آن را پذیرفت. شبیری زنجانی در این باره می‌نویسد: «این‌که بعضی سهل بن زیاد را تضعیف کرده‌اند به جهت نقل روایات غلوآمیز توسط او بوده است، در حالی که اولاً نقل روایات به معنای اعتقاد به آن‌ها نیست و ثانیاً در این‌که چه چیزی غلو است مورد اختلاف است، پس تضعیفات مبتنی بر مشاهده غلو در بین روایات راوی محل خدشه است» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ۲۱، ۶۸۳۵). صحیح دانستن روایت مورد بحث از سوی مجلسی (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۴: ۱۷۰)، به‌رغم تضعیف «سهل بن زیاد» از جانب علمای رجال نیز، احتمالاً از همین جهت بوده است. بنابراین روایت مذکور از لحاظ سندی، صحیح است.

ثانیاً: به‌رغم صحیح بودن سند روایت، اما دلالت آن ارتباطی با زمان ظهور امام دوازدهم (ع) ندارد و حمل کردن تعبیر «هذا الامر» بر ظهور امام دوازدهم (ع) و تعبیر «السبعین» بر سال هفتاد پس از شروع غیبت آن حضرت، مخالف سیاق روایت و ظهور معنایی آن است؛ زیرا اگر عبارت «فَلَمَّا أَنْ قُتِلَ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْرَجَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةً»، را به سال شصت و یک هجری که تاریخ قطعی شهادت امام حسین (ع) است ضمیمه کنیم، متوجه می‌شویم که مراد از «السبعین»، هفتاد سال پس از بعثت یا هجرت پیامبر (ص) است.

درک مفهوم «هذا الامر» نیز در گرو توجه به مضمون روایات مشابه این روایت است؛ طوسی در روایتی مشابه، با ذکر سند از ابو حمزه ثمالی چنین نقل می‌کند: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) إِنَّ عَلِيًّا (ع) كَانَ يَقُولُ إِلَى السَّبْعِينَ بِلَاءً وَكَانَ يَقُولُ بَعْدَ الْبِلَاءِ رَحَاءً وَ

قَدْ مَضَتِ السَّبْعُونَ وَلَمْ نَرَ رِخَاءَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) يَا ثَابِتُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَانَ وَقَّتَ هَذَا الْأَمْرَ فِي السَّبْعِينَ فَلَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ (ع) اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَخْرَهُ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةِ سَنَةٍ...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ۴۲۸). بر این اساس، مراد از «هذا الامر»، رخاء بعد از بلاء است. مجلسی نیز در شرح روایت کافی، معنای «هذا الامر» را ظهور و غلبه حق بر باطل به دست امامی از ائمه (ع) و نه امام دوازدهم می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۴: ۱۷۰).

۳-۳. بررسی سندی و دلالتی روایت پانزده شب پس از قتل نفس زکیه

درباره روایتی که زمان ظهور را پانزده شب پس از قتل نفس زکیه بیان می‌کند، باید گفت:

اولاً: سلسله سند این روایت چه در نقل مفید که پیش‌تر ذکر شد و چه در نقل صدوق که قبل از مفید با سندی تقریباً متفاوت از امام صادق (ع) به شرح ذیل گزارش شده: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنِ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ شُعَيْبِ بْنِ الْحَدَّاءِ عَنْ صَالِحِ مَوْلَى بَنِي الْعَدْرَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ (ع) يَقُولُ لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۲: ۶۴۹) همگی امامی ثقه (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ش، ۱۱۸، ۱۹۵، ۲۵۴، ۲۸۱، ۳۰۶، ۳۵۴، ۳۸۳؛ طوسی، ۱۳۷۳ش، ۳۵۱، ۳۶۰؛ حلی، ۱۴۰۲ق، ۸۸) هستند. بنابراین روایت از لحاظ سندی صحیح است.

ثانیاً: علی‌رغم صحیح بودن سند روایت، اما دلالت آن ارتباطی با تعیین زمان ظهور امام دوازدهم (ع) ندارد، زیرا در این روایت، زمان ظهور اعلام نشده، بلکه به یکی از علانم ظهور یعنی قتل نفس زکیه اشاره شده است که پانزده شب پس از آن قیام امام مهدی (ع) واقع خواهد شد. به تعبیر دیگر زمان قتل نفس زکیه که علامت ظهور است، مشخص نیست تا بر اساس آن بتوانیم زمان ظهور را تعیین کنیم.

۳-۴. بررسی سندی و دلالتی روایت کمتر از چهل سال پس از شروع غیبت

درباره این روایت، به چند نکته باید توجه داشت:

اولاً: سند این روایت، مرسل و مهمل است. تعابیر مبهم «جماعه»، «شیخ» و «الأودی» بیانگر مرسل بودن سند هستند (برای اطلاعات بیشتر درباره حدیث مرسل ر.ک: مامقانی، ۱۴۲۸ق، ۱: ۲۵۴، ۲۵۵). درباره «علی بن ابراهیم الفدکی» نیز هیچ اطلاعاتی در

کتب رجالی وجود ندارد که در اصطلاح به چنین روایتی، مُهْمَل گفته می‌شود (ر.ک: استرآبادی، ۱۳۸۸ش، ۸۹). در نتیجه روایت مذکور از لحاظ سندی، بسیار ضعیف است. ثانیاً: علاوه بر ضعف سند، مضمون آن به دلیل انفراد و تعارض با روایات دیگر مردود است. زیرا بیانگر حضور امام مهدی (ع) در ملأ عام و امکان شناخت ایشان برای حاضران در اطراف کعبه است که این مضمون، مخالف با روایاتی است که از حضور ناشناس آن حضرت در حج سخن می‌گویند؛ کلینی دو روایت و صدوق یک روایت با این مضمون نقل کرده‌اند که در ادامه گزارش می‌شوند:

روایت اول: «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلِ الْأَنْبَارِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ يَشْهَدُ فِي إِحْدَاهُمَا الْمَوْسِمَ يَرَى النَّاسَ وَلَا يَرُونَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۳۹): برای قائم دو غیبت است، در یکی از آن دو غیبت، در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بینند، اما مردم او را نمی‌بینند.

روایت دوم: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: يَقْعِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ يَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرُونَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۳۷): مردم از امامشان محروم می‌شوند، امام در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بینند، اما مردم او را نمی‌بینند.

روایت سوم: «وَرُوِيَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعُمَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَرُونَهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۲: ۵۲۰): به خدا سوگند صاحب این امر هر سال در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بیند و می‌شناسد، مردم نیز او را می‌بینند اما نمی‌شناسند. صدوق در مشیخه، طریق خود به محمد بن عثمان العمری را این‌گونه معرفی می‌کند: «و

ما كان فيه عن محمد بن عثمان العمری - قدس الله روحه - فقد رویته عن أبي؛ و محمد بن الحسن؛ و محمد بن موسی بن المتوکل - رضي الله عنهم - عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن محمد بن عثمان العمری» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۴: ۵۱۰) که همگی امامی ثقة هستند.

گرچه هر دو روایت کلینی به دلیل وجود «یحیی بن المثنی» که در کتب رجالی ذکری از او به میان نیامده است، مهمل هستند (ر.ک: استرآبادی، ۱۳۸۸ش، ۸۹) و هم‌چنین روایت صدوق به دلیل نقل از مصاحب معصوم، موقوف است (برای آگاهی بیشتر درباره حدیث موقوف ر.ک: مامقانی، ۱۴۲۸ق، ۱: ۳۱۹-۳۳۰)، اما مضمون آن‌ها با

روایات صحیح دیگری که امکان شناخت آن حضرت برای عموم مردم را نفی می‌کنند، تأیید می‌شوند.

به طور مثال، کلینی با سندی که همگی امامی ثقه (ر.ک: نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ۷۱، ۳۳۴، ۳۵۳؛ طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۳۳۴) هستند از امام صادق (ع) چنین نقل می‌کند: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): لِلْقَائِمِ غَيِّبَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِبَعَتِهِ وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۳۴۰). فیض کاشانی در شرح این روایت می‌نویسد: «منظور از خَاصَّةُ الْمَوَالِي، خادمان حضرت در غیبت کبری هستند، زیرا برای سایر شیعیان راهی به جانب حضرت وجود ندارد» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ۲: ۴۱۴).

۳-۵. بررسی سندی و دلالتی روایات دال بر دروغ بودن تعیین وقت ظهور

درباره سه روایتی که دلالت بر دروغ بودن تعیین وقت ظهور دارند، باید گفت:

اولاً: سند هر سه روایت، موثق است. بنابراین از منظر علم رجال، هر سه روایت معتبر هستند؛ وجود قاسم بن محمد و علی بن ابی حمزه در سند روایت اول و دوم و وجود عبدالکریم بن عمرو الخثعمی در سند روایت سوم که هر سه نفر، واقفی هستند (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۳ ش، ۳۴۲ و ۳۳۹) موجب حکم به موثقه بودن این روایات می‌شود. البته وجود روایات فراوان با مضمون نهی از توقیت در میراث حدیثی شیعه (به طور مثال ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: ۳۶۸، ۳۶۹؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ ق، ۲۸۸ - ۲۹۶؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق، ۴۲۵ - ۴۲۹)، اعتماد به صدور این مضمون از معصومان (ع) را افزایش و نیاز به کاوش‌های رجالی را کاهش می‌دهد.

ثانیاً: دلالت این‌گونه روایات، بر دروغ‌گو بودن تعیین‌کنندگان وقت برای ظهور، روشن است و معنای مخالفی هم برای آن‌ها بیان نشده است. البته باید توجه داشت که تعیین وقت و زمان برای ظهور امام زمان (عج) به چند صورت متصور است و برخی از این صور با روایات، سازگاری دارد و بلا مانع است. به عنوان مثال، اگر کسی تاریخ و وقت ظهور حضرت را به طور دقیق و تفصیلی معین نکند، بلکه آن را به نحو اجمال تعیین کند، مانعی ندارد. به عنوان نمونه بگوید: «هرگاه خداوند اراده کند، ظهور محقق می‌شود»، «هرگاه وجدان عمومی جامعه پذیرای ولایت الهی باشد، امام ظهور می‌کند» و... حتی در برخی از روایات نیز به طور اجمال به زمان ظهور آن حضرت، اشاراتی

شده است، به عنوان مثال: ظهور در سالی فرد (وتر) واقع خواهد شد: «لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ سَنَةَ إِحْدَى أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ تِسْعٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۹۱) و یا این که ظهور در روز عاشورا خواهد بود: «يُنَادِي بِأَسْمِ الْقَائِمِ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ وَ يَتُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع)» (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲: ۴۴۲).

۴. نتیجه‌گیری

۱- «فواز بن احمد بن علی رضوان» مدعی است که روایات مربوط به وقت ظهور امام دوازدهم (ع) با یکدیگر متعارض اند و امکان رفع تعارض میان آن‌ها نیز وجود ندارد؛ برخی از آن‌ها زمانی را برای ظهور تعیین کرده‌اند مانند شش روز یا شش ماه یا شش سال پس از شروع غیبت، سال هفتاد، پانزده شب پس از قتل نفس زکیه و کمتر از چهل سال پس از شروع غیبت؛ و برخی دیگر تعیین‌کنندگان وقت برای ظهور را تکذیب کرده‌اند.

۲- از لحاظ سندی، روایت شش روز یا شش ماه یا شش سال پس از شروع غیبت، ضعیف؛ روایت سال هفتاد، صحیح؛ روایت پانزده شب پس از قتل نفس زکیه، صحیح؛ و روایت کمتر از چهل سال پس از شروع غیبت، ضعیف است.

۳- از لحاظ دلالتی، روایت شش روز یا شش ماه یا شش سال پس از شروع غیبت، ناظر به طول غیبت صغری؛ روایت سال هفتاد، ناظر به رخاء بعد از بلاء؛ روایت پانزده شب پس از قتل نفس زکیه، ناظر به یکی از علانم ظهور بدون تعیین وقت برای آن است. روایت کمتر از چهل سال پس از شروع غیبت نیز به دلیل انفراد و تعارض با روایات معتبر، مورد اعتنا نیست.

۴- روایاتی که تعیین‌کنندگان وقت برای ظهور را تکذیب می‌کنند، از لحاظ سندی موثق و معتبر هستند و از لحاظ دلالتی صراحت بر نهی از تعیین وقت برای ظهور دارند. بنابراین با صرف نظر از سند دو دسته روایات، می‌توان میان مضمون صحیح آن‌ها جمع کرد، و با جمع عرفی، تعارض بدوی ادعایی را رفع کرد.

قدردانی

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی طبق ابلاغ گزنت شماره ۴۹۲۵ مورخ ۱۴۰۲/۰۳/۰۶ انجام گردیده است.

منابع

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، تهران، صدوق، ۱۳۹۷ق.
- ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحیوة، قم، مدرسة الإمام مهدی (ع)، ۱۴۰۴ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- استرآبادی، محمدجعفر بن سیف الدین، لب اللباب فی علم الرجال، تهران، اسوه، ۱۳۸۸ش.
- براتی، حسین. حسن نقی زاده، سهیلا پیروزفر. "انگاره اقتدای حضرت عیسی (ع) به حضرت مهدی (ع) در منابع روایی شیعه". مطالعات فهم حدیث ۱۰، ۱۹ (۱۴۰۲): ۵۳-۷۹. doi: 10.30479/mfh.2023.18999.2275
- پورسیدآقای، سیدمسعود. و علی اکبر معراجی راد. "بررسی تحلیلی روایات توقیت گران در روزگار معاصر". مطالعات مهدوی، ۴۸ (۱۳۹۹): ۴۹-۷۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ق.
- حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلی، قم، الشریف الرضی، ۱۴۰۲ق.
- رضوان، فواز بن احمد بن علی. "تعارض دلالات المرویات عند الرافضة الامامة أنموذجاً". كلية الدراسات الاسلامیة و العربیة للنبات بالاسكندریة، ۳۶ (۲۰۲۰): ۱۴۰-۱۹۰.
- سبحانی نیا، محمد. "تحلیل حدیث شناسانه تعیین وقت ظهور". حدیث پژوهی ۸، ۱۶ (۱۳۹۵): ۹۹-۱۲۴.
- شیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
- صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
- _____، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ترجمه: مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ش.
- _____، الغیبة، قم، دارالمعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- _____، رجال الطوسی، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة، ۱۳۷۳ش.
- _____، فهرست كتب الشيعة و أصولهم، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، ۱۴۲۰ق.
- فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ۱۴۰۶ق.
- کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: حسین انصاریان، قم، دارالعرفان، ۱۳۹۹ش.
- _____، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- کورانی، علی، معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۴۲۸ق.
- ماقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم، دلیل ما، ۱۴۲۸ق.
- ماهری قمی، محمد سبحان. و محمد رضا پیر چراغ. "بررسی فقه الحدیثی روایت «فمن ادعی المشاهدة» (فهم آخرین توقیع به آخرین نائب)". مطالعات فهم حدیث ۹، ۱۷ (۱۴۰۱): ۴۹-۷۱. doi: 10.30479/mfh.2022.2827
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الانمه الاطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ق.
- _____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
- مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم، ۱۳۶۵ش.
- ولی زاده، محمدجواد. "کنکاشی در زمینه تعیین احتمالی زمان ظهور". انتظار موعود ۱۲، ۳۸ (۱۳۹۱): ۶۷-۹۰.